



هدایت حبيب

## چهل و پنجمین سالگرد حزب دموکراتیک خلق افغانستان

خردمندان ی از نیاکان ما ، از گذشته هایی دور مردم را به : پندار نیک ، گفتار نیک ، و کردار نیک دعوت مینمودند . این چراغ که در سرزمین آبابی ما افروخته شد ، تابناکتر گردید . رفته رفته فرزندان ی در این سرزمین پا به عرصه ی هستی گذاشتند ، که نه تنها برای خود، بلکه در غم و درد دیگران نیز بودند . چنانچه فقط برای تأمین سلطنت مشروطه ی جانمایی عزیز خود را ایثار نمودند. درود بی پایان تاریخ به آنها !

وارثان آنان از افتخارات و پیروزیهایی آنها بهره گرفتند ، از شکستهایی ایشان آموختند ، در نتیجه ب فکر مبارزات متشکل افتیدند ، بنا بر آن تشکیل احزاب را مطرح نمودند . در اثر جدوجهد مشروطه خواهان که جو نسبتاً مساعد تری نسبت به گذشته به وجود آمد و نام دهه ی قانون اساسی را به خود دریافت ، آگاهان انسان پرست ، دست به کار تاسیس احزاب زدند . از جمله به تاریخ 11 جدی 1343 حزب دموکراتیک خلق افغانستان بوسیله ی ، وطن پرستان ، انسان ی سالار گرد آمده در کنگره ی موسس ، تشکیل گردید . بقول زنده یاد ببرک کارمل فقید بادبان کشتی خلق افغانستان در بهر بی کران هستی ، رو به سویی ترقی بلند گردید . این حزب جوان به زودی به مکتب بزرگ وطن پرستی و آموزشی تبدیل شد . از دو مجرا به پرورش ، آموزش و روشنگری مبادرت ورزید : از یک سو ، جوانانی که به طور روز افزون به آن می پیوستند ، در کورسهای درون حزبی ، به وسیله ی آموزگاران ورزیده و دانشمند : اقتصاد ، فلسفه ، ساختاری سیاسی دولت را می آموختند و به وطن دوستی و وطن پرستی ، به فن نویسنده گی ، نطاقی ، سپورت ، پرورش کوده کان ، تدبیر منزل و به دهها حرفه و شیوه هایی نوین دیگر ی زندگی تربیت می شدند . از سویی دیگر فرآورده هایی فکری این حزب ، مانند : مضامین جریده های خلق و پرچم ، نشر مقاله ها در سایر جریده ها و روز نامه ها و مجلات ، سخنرانیها در متنگها ، در مظاهرات ، در کنفرانسها و سایر گردهماییها و به خصوص سخنرانی هایی ببرک کارمل فقید در پارلمان ، سبب ایجاد آگاهی بیشتر و رشد ذهنی هموطنانمان میگردد .

از نگاه تشکیلاتی نیز ح، د، خ، ا در مقایسه با احزاب همدوره ی خود ، بزرگتر شد ، وسعت و گسترش بیشتر یافت ، قد کشید و برومند شد و به نیروی قابل ملاحظه در جامعه ی افغانی عرض وجود کرد . ح، د، خ، ا به انترنا سیونالیزم باور داشت ، عضو از خانه دان احزاب پیشرو جهان بود ، در کانفرانسها و جلسات احزاب برادر شرکت می جست ، بطور متقابل از طرف آنها ارج گذاشته می شد و احترام می گردید و به خار چشم دشمنان ترقی افغانستان مبدل گردید ، سوگمندانه فرد نفوذی آنها توانست حزب

را متفرق کند. انشعابی بوجود آمد، ستیزه جویی در برابر هم صورت می گرفت، در اثر آن تقریباً مدت ده سال اعضای با درد و با درک حزب، از فراق هم سوختند، تا این که وعده ی وصل فرا رسید، وحدت حزب تأمین کردید. دلها مملو از شادی گشت، چشمها با دیدن همزمان در جلسات مشترک روشن شد، در قلبها امید دمیدن گرفت.

بدبختانه باز "ابر سیه هی سرگردان - خیمه از دامن کوهسار کشید" توطیه ی دشمن یکی از بانیان برجسته ی حزب را به شهادت رسانید. در ادامه به شیوه ی خلاف اصول مرامی، بدون دستور رهبری، بی آگاهی و بی آمادگی اعضای حزب، حاکمیت بر آن تحمیل شد، اعمال نا بخردانه و ناسنجیده در دستور روز قرار گرفت، شیرازه ی یگانگی حزب از هم پاره گردید. در پیامد، اعظمت طلبان بر حزب و جامعه مسلط گردیدند. بانیان حزب را کشتند، تبعید نمودند، و زندانی کردند. اعمال ناقصی عنعنه ی دیر پای مسلط در جامعه به مرحله ی اجرا گذاشته شد، تا این اندازه که کمر به کشتن اکثریت نفوس افغانستان بستند، شخصیت های ملی، سیاسی و مذهبی و تعداد زیاد از مردم شرافتمند و زحمتکش کشور را کشتند و قتل عام نمودند و گفتند: دو میلیون نفوس به آنها کفایت میکند. اعضای حزب نتوانستند، بیشتر از این، در برابر اعمال جابرانه ی خود بزرگ بینان تماشا بین باشند. برای جلوگیری خود کامه گی آنها و جاگزینی رهبری سالم به حزب و نجات جامعه و دگرگونی سیاسی، دست به مبارزه بردند، در اثر آن جوخه جوخه به شکنجه گاهها رفتند، مرگ را استقبال نمودند، زندانها را پر کردند ولی سر انجام به کمک انترناسیونالیستها، حزب و کشور را از شر عظمت طلبان و جباران رهانیدند. در های زندانها را کشودند. قلبهای هوطنان را شاد ساختند، لبهایشان را پر از تبسم نمودند. ولی اعمال زشت خود بزرگ بینان و پلانهای حامیان شان - به خصوص نابود ساختن ی شخصیت های ملی، سیاسی و مذهبی - چنان بر جامعه تأثیر منفی ژرف گذاشته بود، که هرگز زودده نشد و مانند زهری پیکر حزب و جامعه را مسموم ساخت. سرنگونی خود بزرگ بینان سبب حار شدن ی حامیان شان گردید. بنا بر آن تهاجم وسیع تبلیغاتی، تخریباتی و جنگی بر ضد افغانستان آغاز گردید، در مقابل اعضای حزب دمکراتیک خلق افغانستان به ساختمان جامعه و دفاع از آن کمر بستند، دسته دسته به مزرعه ها، کار خانه ها و موسسات تعلیمی شتافتند. گروه گروه به ارگانهای قوای مسلح پیوستند. خونهای پاک خود را نثار دفاع از مردم کشور و سرزمین افغانستان نمودند. تپه ها از مفضلله های سر سپردگان پر گردید. باز آینده گان، راه پیشرفتگان را با تلاش بیشتر از پیش ادامه میدادند و جایشان در صفوف قوای مسلح پر می نمودند. تحت رهبری ح، د، خ، مردم کشور به منظور دفاع از منافع صنفی خود و ساختمان وطن، سازمانهای صنفی و اجتماعی متعدد را ایجاد نمودند و به آنها پیوستند. صدها شیر خوار گاهها، کودکانها ساختمان و ایجاد کردند. صدها مکتب در قریه ها، قصبات و شهرها اعمار تاسیس نمودند، دهها دانشگاههای عالی در شهرهای مختلف کشور بنا کردند. هزارها جوان در موسسات تعلیمی و تحصیلی داخل کشور و دانشگاههای کشور های دوست به آموزش ادامه دادند، سرفرازانه باز گشتند و به ساختمان کشور شرکت نمودند. جامعه ی افغانی برای اولین بار پر از کادرهای مسلکی و متخصصی ملی گردید. هزارها جلد کتاب تالیف و ترجمه شد و ذهنهای تشنه به علم

ودانش هوطنان ما را سیر آب نمود. تحت رهبری ح، د، خ، ا همزمان با ساختمان کشور و دفاع مسلحانه از آن، ساختار حاکمیت ملی پیش می رفت. ارگانهای ملی حاکمیت به شیوه نوین و دسته جمعی با شرکت دادن وسیع مردم در آنها مساعد و تأمین گردید. برای اولین بار در تاریخ کشور نمایندگان همه ملیتها با معیار شایستگی امکان شرکت مساویانه در رهبری حکومت ملی را یافتند و شرکت نمودند. بوسیله ی ح، د، خ، ا کار پر ثمر در جهت زدایش برتری جویی و تأمین تفاهم ملی و هموطنی بدون تبع تبعیض و تمایز پیش برده شد. در پهلویی صد ها موفقیت و پیروزی، زیر رهبری این حزب قوای مسلح شکست نا پذیر ی تشکیل گردید. نظامیان میهن دوست، در همه ارگانهای قوای مسلح به اساس تشریک مساعی رفیقانه توانسته بودند، کشور را از وجود دشمن پاک نمایند. چنانکه با وجود همه انواع کمک ی به مخالفان از جانب حامیان گسترده ی شان، زمینه ی عودت قوای محدود انترناسیونالیست مساعد گردید. بعد از عودت قوا سه سال اندک ی بیش یا کم به ذعامت حزب دموکراتیک خلق افغانستان از حاکمیت دفاع مستقلانه به عمل آمد. بدبختانه از قضایی روزگار تکیه گاه صلح جهانی در جنگ سرد مغلوب گردید و از هم پاشید. حاکمیت خلق در کشورمان بدون حامی و پشتیبان مادی و معنوی قرار گرفت. ادامه آن در اثر تهاجمات عهد شکنانه ی همه جهان پلشتیها غیر ممکن گردید. بعد از افت ی حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن) از رهبری حاکمیت، بر سر مردم بی دفاع مان بدتر از آنچه پیشبینی می شد آمد. وضع اسفبار کشور غم اندوه بیچارگی و بینوایی مردم مان زیر ضربات پتیارگان و بربر ها و قهقهه ی بلند خنده هایی حا میان شان، اعضای ح، د، خ، ا (حزب وطن) را چنان اندوه بار، دلفگار و افسرده ساخت که تا چند سالی در آن غرق تفکر بودند. در اثر فروریزی آوار ها حزب از هم پاشید. شیشه امید مردم افغانستان بر سنگ سخت اصابت کرد. بعد چندی اعضای متعهد پر آرمان حزب در گروه های مختلف بنامهای گوناگون گردهم آمدند هر کدام به راهی روان گردیدند. از جمله دو سازمانی تشکیل شده از با ثبات ترین اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان: نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و حزب متحد ملی افغانستان در پی تفهومات سازنده، اثناد وحدت را کمسیون وحدت مشترک هردو سازمان به امضا رسانیدند. دلها را گرم تر ساختند. به اعضای هردو سازمان نیرو و قوت قلب بخشیدند. باور مندیم که این یگانگی آغاز و زمینه ساز تفاهم، نزدیکی و بهم آبی همه پارچه های جدا شده از پیکر ح، د، خ، ا حزب خونین کفنان و شهیدان، و از سرگیری مبارزات داد خواهانه ی همه اعضای دور مانده آن حزب از مبارزه و سیاست باشد. سزاوار تذکر است، وحدت دو سازمان نتیجه تشویق، تحرک بخشی و مبارزه وحدت خواهانه ی صفوف هردو سازمان بوده است، بنابر آن از صف هردو سازمان رفیقانه تقاضا می شود، که کار درین راستا را تقویت بخشند و همچنان وحدت گریزان را افشا کنند و بر ضد شان مبارزه ی کوبنده ی بیشتر از پیش آغاز نمایند.

چهل پنجمین سالروز تاسیس ح، د، خ، ا را به همه اعضای آن حزب، به همه هوا خواهان، فامیل شهدایی آن حزب تبریک و تهنیت میگویم. درود بی پایان به روان همه گذشته گان ح، د، خ، ا.